



نصب پرچمی روی
تابلوی وروی شهر
بوکمال توسط
رزمندگان ایرانی.
فتح این شهر به
عنوان آخرین مقر
داعش با فرماندهی
میدانی مستقیم
حاج قاسم
سلیمانی
صورت گرفت



سلیمانی بدون ورود به تنف، با عبور از صحرا و نفوذ به عمق بوکمال، عملاً یک «نشدن» دیگر را به «شدن» تبدیل کرد.

≡ جنگ در بوکمال، نبردی سخت‌تر از موصل

آنان که از نبرد و جنگ با داعش اطلاع دارند، خوب می‌دانند این گروه برای نبرد به هیچ اصولی از جنگ و شیوه آن اعتقادی ندارد و در یک آن نیروهای گردان ویژه انفجاری و انتحاری، صدها تن آن‌تی را در یک کوچه تنگ منفجر خواهد کرد.

تجربه نبرد در حلب، موصل، فلوجه، تکریت، دیرالزور و حتی القنيطرة و درعا درس بزرگی به مقاومت داده بود. از طرف دیگر بوکمال تنها امید داعش برای بقا بود.

داعش می‌دانست حتی اگر تفکر تکفیری باقی بماند برای اثبات دولت شرعی خود در اندیشه‌های تکفیری نیازمند بقا بر سرزمین و زمین است. جنگ در بوکمال تنها یک جنگ سخت شهری با حضور شهروندان غیرنظامی اسیر و سپرگوشتی نبود، بلکه یک جنگ تمام‌عیار برای بقا و نیستی از سوی داعش بود که به هیچ عنوان قابل کوتاه آمدن نبود.

از سوی دیگر گزارش‌ها نشان از پیشروی و تغییر

در چنین شرایطی و در زمانی که هنوز مذاکرات در حلب برای تخلیه نیروهای انسانی باقی مانده ادامه داشت، سردار سپهبد شهید سلیمانی با اعلام طرح عملیاتی در شرق، ساختار فرماندهی و عملیات مقاومت را به بوکمال منتقل کرد.

آمریکایی‌ها واکنش احتمالی مقاومت و چرخش به شرق را در برآوردهای میدانی لحاظ کرده بودند؛ بر همین اساس با انسداد مسیر تنف، عملاً نبرد در شرق برای مقاومت غیرممکن بود؛ مگر این که مقاومت جنگ در بیابان‌های شام را برای اولین بار در تاریخ جهان کلید زده و وارد سرزمینی بی‌آب و علف شود؛ راهبردی که به نظر آمریکایی‌ها شبیه حضور آلمان در سرمای کشنده روسیه در جنگ جهانی دوم بود. به گواه اسناد و تحلیل کارشناسان، تصور جنگ در بیابان در شرایطی که مقاومت، آشنایی چندان با شرق سوریه نداشت یک خودکشی دسته‌جمعی و شکستی سنگین به نظر می‌رسید.

داعش در آن منطقه از ظرفیت سختی زمین، آشنایی با موانع طبیعی، آب و پشتیبانی رزمی سنگین، تسلط بر آبراه فرات و حمایت اطلاعاتی و رزمی آمریکایی‌ها برخوردار بود. با این حال شهید